

راهبردهای پیشرفت اقتصادی پیامبر اسلام ﷺ؛ رهیافتی برای برنامه‌ریزی پیشرفت اقتصادی در ایران

سیدجواد میرزازاده قصابکلایی / دانشجوی دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

s.j.m.z.1390@gmail.com

 orcid.org/0009-0009-8201-2016

tavakoli@iki.ac.ir

محمدجواد توکلی / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹

چکیده

راهبردهای پیشرفت اقتصادی پیامبر اسلام ﷺ در مدتی کوتاه تحولی عظیم در اقتصاد مدینه ایجاد کرد و منجر به رفاه توأم با عدالت و معنویت شد؛ پدیده‌ای که می‌تواند الگوی مطلوبی برای برنامه‌ریزی پیشرفت اقتصادی قرار گیرد. این مقاله با روش مطالعه اسنادی و تاریخی به بازخوانی و تحلیل رویکرد پیامبر ﷺ و استخراج راهبردهای ایشان در زمینه پیشرفت اقتصادی پرداخته و با بررسی نقادانه برنامه‌های توسعه پس از انقلاب، رهیافت و توصیه‌هایی برای اصلاح برنامه‌های آتی ارائه می‌کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که رسول خدا ﷺ با اتخاذ راهبردهای اساسی «فرهنگ‌سازی و تعلیم و تربیت، توزیع عدالت‌محور و تضمین حقوق مالکیت» و راهکارهایی نظیر ایجاد زیرساخت فرهنگی، آموزشی و تربیتی، تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی، واگذاری زمین برای کشاورزی و مسکن، تفکیک مالکیت‌های سه‌گانه، مالیات‌های شرعی، پرداخت‌های انتقالی، ترویج عقود سه‌م‌بری، و حاکمیت ضوابط شرعی و اخلاقی بر مبادلات و بازار، زمینه پیشرفت اقتصادی را فراهم کردند. برنامه‌های توسعه کشور درباره نقش دولت و مردم، مسئله عدالت و الگوی توزیعی و جایگاه نهاد مالکیت، با چالش جدی روبه‌روست؛ چالش‌هایی که با سیاست‌های تعدیلی و لیبرالی مضاعف شده است. دلالت‌های راهبردهای نبوی می‌تواند روند حرکتی برنامه‌های آتی را اصلاح و به ریل صحیح بازگرداند.

کلیدواژه‌ها: راهبردها و راهکارهای پیشرفت نبوی، برنامه توسعه، تعدیل ساختاری.

طبقه‌بندی JEL: O29, O21

در پی تجربه بلندمدت برنامه‌ریزی توسعه در ایران، شش برنامه پس از انقلاب تدوین و به اجرا درآمده است. راهبرد توسعه به‌منزله ریل حرکتی برنامه است که سیاست‌ها، احکام و اقدامات حول محور آن در جهت هدف معین تنظیم می‌شود. برنامه‌های شش‌گانه گاهی با راهبرد معین، گاهی بدون راهبرد و گاهی با غلبه راهبرد تحمیلی نهادهای لیبرالی بین‌المللی طی مسیر کرده‌اند. گرچه نسبت به رژیم سابق گام‌های بسیار بلندی برای تحقق پیشرفت اقتصادی در بخش‌های مختلف و در زمینه فقرزدایی، عدالت توزیعی، و رفاه عمومی برداشته شده است که قابل قیاس با گذشته نیست، اما وضعیت فعلی اقتصاد ایران و روند و نتایج اجرای برنامه‌ها بالعیان نشان می‌دهد که این برنامه‌ها با مسیری که دنبال کرده‌اند، نتوانسته‌اند ایران را به‌عنوان یک کشور اسلامی و پیرو مکتب مرقی اهل بیت علیهم‌السلام به جایگاه واقعی‌اش در پیشرفت اسلامی برسانند.

در حال حاضر، فقدان راهبرد مناسب و حاکمیت سیاست‌های تبدیلی و لیبرالی موجب شده است که دولت و مردم نتوانند نقش کامل اسلامی خود را ایفا کنند؛ سازوکار و الگوی توزیع درآمد با عدالت فاصله دارد و جایگاه نهاد مالکیت نیازمند تقویت است. حقوق مالکیت فردی در مبادلات، قراردادهای و سیاست‌ها به‌خوبی استیفا نمی‌شود و خصوصی‌سازی بی‌ضابطه و دولت حدقلی، مالکیت و حاکمیت دولت را در معرض تعرض قرار داده است.

سؤال اینجاست که ما با برخورداری از منبع غنی وحیانی و تجربه بی‌نظیر پیشرفت نبوی، آیا نمی‌توانیم الگو و راهبردهای مناسبی برای طی کردن مسیر پیشرفت اقتصادی برگزینیم و برنامه‌ها را به ریل اصلی برگردانیم؟ با این سابقه روشن تاریخی، ضروری است رویکرد پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مسئله پیشرفت باخوانی و راهبردهای ایشان استخراج شود. نوآوری این پژوهش، باخوانی این رویکرد و استخراج خطوط اصلی پیشرفت جامعه نبوی، بررسی برنامه‌های توسعه کشور از زاویه این راهبردهای استخراجی و رهیافتی از آن برای اصلاح و تدوین برنامه‌های آتی توسعه است. برخی پژوهش‌ها صرفاً به پیشرفت اقتصادی عصر نبوی پرداخته‌اند:

حاج کریم (۱۳۷۵) با ذکر اقدامات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به «عوامل رشد و توسعه اقتصادی مدینه طی سال‌های ۱-۱۰ هجری» پرداخته است.

سید کاظم صدر (۱۳۷۶) در «تجربه مسلمانان صدر اسلام در دستیابی به توسعه اقتصادی»، توسعه انسانی را مهم‌ترین عامل پیشرفت معرفی کرده است.

رحیمی و غلامی فیروزجایی (۱۳۹۴) در «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی - دینی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه» عمدتاً سیاست‌های اقتصادی در زمینه بازار را بررسی کردند.

دافر و بهرامی (۱۴۰۰) نیز در «راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی در مدینه‌النبی» حذف معاملات جاهلی، تبیین مفاهیم اقتصاد اسلامی، تقویت بنیه اقتصادی و قطع وابستگی را از اقدامات حضرت در این زمینه معرفی می‌کنند.

پژوهش‌هایی نیز به برنامه‌های توسعه پرداخته‌اند؛ اما نه از زاویه راهبردهای نبوی:

برادران شرکا و زنوز (۱۳۸۲) در مقاله «استراتژی تجاری توسعه صنعتی در ایران (دوران قاجاریه تا انقلاب اسلامی)»، راهبرد توسعه صنعتی را مورد بحث قرار داده‌اند.

عرب مازار و نورمحمدی (۱۳۹۵) در «تحلیل انتقادی هدف‌های اقتصادی برنامه‌های توسعه در ایران (قبل و بعد از انقلاب)»، نگاه انتقادی به اهداف برنامه‌های توسعه در ایران داشته‌اند.

سیفوری و تقوی (۱۳۹۷) در «آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه ایران قبل و بعد از انقلاب و ارائه راهبردهای محوری»، به آسیب‌شناسی این برنامه‌ها پرداخته‌اند.

نوآوری این پژوهش، استخراج راهبردهای اقتصادی نبوی، بررسی برنامه‌های توسعه کشور از این زاویه و ارائه رهیافتی از آن برای اصلاح برنامه‌های آتی است.

۱. راهبردهای پیشرفت اقتصادی پیامبر اسلام ﷺ

پیامبر اسلام ﷺ در سرزمین خشک و خشنی مبعوث شدند که جز در یمن و یثرب امکان کشاورزی نبود (علی، ۱۹۶۸، ج ۱۳، ص ۷). تجارت اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی به‌شمار می‌رفت (افغانی، ۱۹۶۰، ص ۱۵). فرهنگ شرک و کفر، برده‌داری، کینه‌توزی، جنگ و خون‌ریزی قبیله‌ای، دخترکشی، بی‌سوادی و عیش‌ونوش در میان مردم آن عصر رایج بود (آئینه‌وند، بی‌تا، ص ۳۵). این فرهنگ جاهلی و ظالمانه بر اقتصاد آنها نیز تأثیر گذاشته بود و انواع مبادلات باطل، ربوی و غرری جریان داشت (افغانی، ۱۹۶۰، ص ۵۹-۴۶). این فضای فاقد نظام قانونی، آموزشی و نظارتی که بی‌عدالتی، بهره‌کشی، حق‌کشی، تبعیض و تفرقه جزء شاخصه‌های بارز آن بود، با ایجاد فضای بی‌اعتمادی و نااطمینانی موجب تزلزل نهاد مالکیت و قراردادهای شده و الگوی توزیع درآمد را به‌شدت نامتعادل کرده بود.

در حقیقت، سه مشکل اساسی وجود داشت: ۱. وجود انسان جاهل، خودخواه و مادی‌گرایی که نظام شناختی و انگیزشی او در حد تمایلات حیوانی (ظلم، غضب و شهوت) و دور از جایگاهش در نظام هستی تعریف شده بود (طباطبائی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۱؛ آئینه‌وند، بی‌تا، ص ۳۵)؛ ۲. فقدان نظام حقوقی و حاکمیت قانون به‌صورت متمرکز و فراگیر. هر قبیله‌ای به قوانین خود عمل می‌کرد و فرهنگ جاهلی بر مبادلات حاکم بود (علی، ۱۹۶۸، ج ۱۰، ص ۱۵۸ و ۲۴۱؛ شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹۴)؛ ۳. توزیع ناعادلانه منابع و منافع (افغانی، ۱۹۶۰، ص ۵۹-۴۶). این سه مشکل و مانع پیشرفت، که مشخصه مشترک همه جوامعی است که از ارزش‌های توحیدی فاصله گرفته‌اند، از نگاه قرآن ریشه در «ظلم و کفران» دارد: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم: ۳۴). پیامبر اسلام ﷺ با درک درست این وضعیت، سه راهبرد بنیادین اتخاذ کردند که در مدت کوتاه یک دهه، رفاه همراه با عدالت و معنویت را برای مسلمانان رقم زد؛ به‌طوری‌که در اواخر دهه اول هجری، سطح رفاهی مردم مدینه، به‌ویژه مهاجران، به‌اندازه‌ای ارتقا یافت که همگی صاحب مسکن، شغل و درآمد مناسب بودند (صدر، ۱۳۸۷، ص ۴۴).

۱-۱. راهبرد فرهنگ‌سازی و تعلیم و تربیت

انسان‌سازی رمز تمدن بزرگ پیامبر اسلام ﷺ است (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۶۷). بزرگ‌ترین کار ایشان این بود که رابطه انسان را با خود، خدا، خلق و سرمایه مادی اصلاح کردند و نظام بینشی و انگیزشی او را تغییر دادند. انسانی که

از «ربا، کم‌فروشی، کنز، تعدی به حقوق مردم، غفلت، سرمستی، طغیان‌گری، فساد، برتری‌جویی، افزون‌طلبی، تفاخر، تکاثر، اتراف، اسراف و تبذیر» بپرهیزد، بهترین عامل توسعه است. پیامبر اسلام ﷺ از طریق تعلیم و تربیت، ایجاد انگیزه مناسب و اصلاح نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر بر رفتارهای انسانی، این کار را به بهترین نحو انجام دادند (چپر، ۲۰۰۰، ص ۱۲۷).

با نزول قرآن، رفتارسازی و تبدیل تدریجی فرهنگ جاهلی به توحیدی از مکه آغاز شد. رسول خدا ﷺ پس از هجرت با سکونت در محله فقیرنشین مدینه و بنا کردن مسجد به‌عنوان مرکز حکومت، نشان دادند که اساس حکومتشان در مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر ارزش‌های توحیدی و معنوی استوار است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص ۳۲). پیشرفت اقتصادی نیازمند زیرساخت آموزشی و تربیتی است. در این راستا، فراگیری قرآن و علم بر مردان و زنان مسلمان فریضه شد (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۴۹)؛ دارالقرآن تأسیس گردید (کتانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۳)؛ برای این نهضت علمی و فرهنگی بودجه تخصیص یافت؛ حتی از ظرفیت سوادآموزی اسرای دشمن نیز استفاده شد (عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۶، ص ۵۳).

در آن زمان مدینه نسبتاً مستعد کشاورزی بود و مردم آن در این زمینه مهارت داشتند (شریف، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۵)؛ اما این مهارت و دانش به‌اندازه‌ای نبود که بتوان از تمام ظرفیت‌های آن برای بهره‌برداری از اراضی، آب‌های زیرزمینی و ساخت ابزارآلات استفاده کرد. سرمایه انسانی مهاجرین نیز با مهارت و سرمایه مادی همراه نبود. به دلیل تمرکز ثروت در دست یهودیان و رباخواران، مسلمانان فاقد سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری بودند. در این وضعیت کمبود سرمایه مادی و فراوانی سرمایه انسانی، بهترین راهبرد برای ایجاد رشد، ارتقای سطح تعهد، دانش، مهارت و بازدهی سرمایه انسانی بود (صدر، ۱۳۸۷، ص ۲۷۰).

نهضت تربیت انسان مناسب پیشرفت و فرهنگ‌سازی اقتصادی شکل گرفت. رسول خدا ﷺ با پیوند زدن فعالیت‌های اقتصادی با ارزش‌های معنوی، تحول و انگیزه جدی ایجاد کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸). وحدت و اخوت بین قبایل و مهاجرین و انصار (عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۷، ص ۱۱۱)، سرمایه اجتماعی عظیم و امت واحده یکدلی را برای پیشبرد مقاصد اقتصادی ایجاد کرد. عقود مزارعه و مساقات موجب مهارت‌افزایی، اشتغال‌زایی و درآمدزایی برای مهاجرین شد. افزایش آگاهی از رژیم حقوقی اسلام، انگیزه و امنیت کافی را برای انعقاد این قراردادهای مشارکتی و رونق تولید فراهم می‌کرد (صدر، ۱۳۸۷، ص ۶۵). با این تدابیر، سطح زیر کشت زمین‌ها و بازدهی آن افزایش یافت؛ صنایعی مانند آهنگری، چرم‌سازی، بافندگی، دوزندگی، ذوب فلز، اسلحه‌سازی و حفر چاه گسترش پیدا کرد (کتانی، بی‌تا، ج ۲، بخش ۹؛ آیتی، ۱۳۵۹، ص ۱۰۳)؛ که همگی موجب شتاب در بهبود سطح درآمد و رفاه عمومی می‌شد.

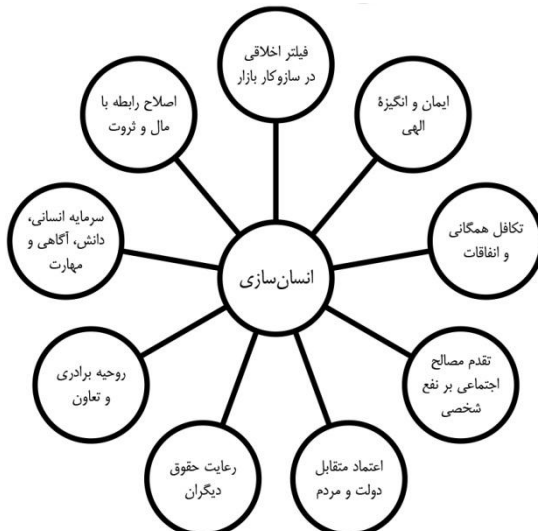
در این اقتصاد مردمی، سرمایه اجتماعی با ظرفیت، کارایی و انگیزه‌های بالا به‌سمت هدف واحد و متعالی در تکاپو و حرکت بود؛ تعامل سازنده‌ای با دولت و سیاست‌های آن داشت و نسبت به منافع اجتماعی مسئول و دغدغه‌مند بود. منشوری که در ابتدای هجرت میان مسلمانان، مشرکان و یهودیان منعقد شد (ابن‌هشام، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵۱) و پیمان برادری، توان مردم را به‌جای نزاع و خصومت، صرف در رشد خود و جامعه می‌کرد. اعلام این

خطامشی اساسی برای پیشرفت، که «هرگز به نیکی و وضعیت مطلوب نمی‌رسید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید» (آل عمران: ۹۲)، نفع شخصی و خودخواهی را به‌چالش کشید. انصار با تقسیم زندگی خود با مهاجرین، سرمایه مادی و زمینه شغلی برای آنها فراهم کردند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۸). برادری از مرتبه احسان و سپس مواسات به مرتبه ایثار رسید (بی‌آزارشیرازی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۷).

تزیق ارزش‌های توحیدی در رفتارهای اقتصادی مسلمانان، اعتقاد به جانشینی انسان در استفاده از ثروت‌ها و مالکیت اعتباری او (حدید: ۷) و نیز نگاه گسترده‌تر دوجہانی به مسئله سود و زیان (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹) موجب شد که سرمایه مسلمانان به‌جای مصارف سوداگران، مسرفانه و غیرمولد، به‌سمت تولید سوق داده شود. انفاقات شرعی از طریق تزکیه نفس موجب تربیت و تقویت سرمایه انسانی متعهد در جامعه (توبه: ۱۰۳) و از طریق اثر بازتوزعی موجب توانمندی طبقات نیازمند و تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی می‌شد. آثار انفاق با گستردگی مصادیق آن در مال، جان، آبرو و کمک‌های فکری و معنوی (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۲۸) به‌طور هفتصد برابری (بقره: ۲۶۱) به جامعه برمی‌گشت و موجب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شد. پایبندی به شریعت و ارزش‌ها به‌مثابه فیلتری در مسیر سازوکار بازار عمل می‌کرد. این پویایی بخش مردمی اقتصاد، هزینه‌های رشد را کاهش می‌داد و فعالیت‌های دولت را تکمیل و ناکامی‌های بازار را به‌خوبی جبران می‌کرد.

الگوی توسعه نبوی تعریف نوینی از فقر و غنا ارائه کرد و نشان داد اقتصادی فقیر است که سرمایه انسانی ندارد، نه سرمایه مادی و طبیعی؛ و نشان داد که توسعه حقیقی به تعالی و توسعه وجودی انسان می‌انجامد، نه به پسرقت انسانیت و نابودی حرث و نسل ملت‌های مستضعف (بقره: ۲۰۵).

شکل ۱: الگوی مفهومی انسان‌سازی



این الگوی مفهومی با محوریت انسان‌سازی در همه بخش‌های اقتصادی جامعه نبوی به‌طور متوازن جاری بود و اثراتش را در رشد پایدار و بازتوزیع عادلانه منافع ایجاد می‌کرد.

۱-۲. راهبرد تضمین حقوق مالکیت

شکل‌گیری هر مبادله و قراردادی مبتنی بر معاوضه دو بسته حقوق مالکیت است (شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹۴). سطح رشد و تولید، به حجم و سرعت انجام مبادلات و میزان احترام به حقوق مالکیت بستگی دارد. وجود هرگونه تعدی و نااطمینانی، انگیزه تولید، کارآفرینی و تشکیل مبادله را کاهش می‌دهد. حقوق مالکیت در شبه‌جزیره، با توجه به فرهنگ جاهلی و فقدان حکومت مقتدر، متناسب با یک جامعه بدوی بود (علی، ۱۹۶۸، ج ۱۰، ص ۱۵۸ و ۲۴۱). تزلزل و عدم شفافیت در نهاد مالکیت، مانع بزرگی در مسیر چانه‌زنی برای شکل‌گیری مبادلات داوطلبانه و دستیابی به کارایی تخصیصی بود.

فقدان نظام حقوقی و نهادهای نظارتی و ضمانتی برای اجرای مبادلات و قراردادهای، با ایجاد فضای نااطمینانی، هزینه‌های مبادلاتی و جذب طرف‌های تجاری را بالا می‌برد. سازوکارهای خصوصی درون‌قبیله‌ای و بین‌قبیله‌ای نیز ضمانت کافی برای استیفای حقوق ایجاد نمی‌کرد و چون به‌صورت ضوابط اجتماعی فراگیر نبود، حجم مبادلات غیرخصوصی را کاهش می‌داد (شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴ و ۲۱۱). اگر کسی پیوند قبیله‌ای نداشت، هیچ قانون و نهادی از او در مقابل تعرض به حقوقش دفاع نمی‌کرد (شهیدی، ۱۳۶۲، ص ۲۵). در فضای تعصب قبیله‌ای، قبیله دیگر حکم شکار قانونی داشت و تعرض به حقوق، اموال و جان آن مباح شمرده می‌شد (حتی، ۱۳۸۰، ص ۳۸). رواج رباخواری و معاملات ناسالم به‌طور مضاعف بر فضای بی‌اعتمادی و نیز عدم تعادل الگوی توزیعی می‌افزود.

از این‌رو رسول اکرم ﷺ به پشتوانه مردمی و بهره‌گیری از وحی، دولتی مقتدر تشکیل دادند. شیوه نوینی از حیات اجتماعی در زمینه اداره نظام سیاسی و اجتماعی، رژیم حقوقی و قضایی، امور امنیتی و تنظیم مناسبات اقتصادی و فرهنگی ایجاد شد (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۳۲۶). آیات قرآن و رهنمودهای نبوی بهترین منبع شناخت حقوق و ضوابط مبادلات بود. عقد اخوت و پیمان اجتماعی مدینه نیز کارکرد مهمی در تعیین حقوق، ایجاد امنیت و رفع منازعات داشت. پیامبر اکرم ﷺ مالکیت خصوصی را که موجب رفع موانع چانه‌زنی‌های خصوصی و انجام مبادلات داوطلبانه می‌شود (شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۴۵)، به رسمیت شناختند و با احکامی برای حیزات، احیا، ارث و... و قواعدی نظیر ید، اتلاف، لاضرر، تسلیط و حرمت اکل مال به باطل، از حقوق آن پشتیبانی می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۷).

در پیمان‌نامه‌های صلح پیامبر ﷺ با ایله، نجران، بحرین و مناطق دیگر نیز می‌توان به رسمیت شناختن مالکیت افراد بر اموال و دارایی‌های خود را مشاهده کرد (ابن‌سعد، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۳۰۲-۳۲۷). ممنوعیت مکاسب مجرمه موجب شد که افراد بدون ایجاد کار مفید و ارزش افزوده، ثروت‌های عمومی و خصوصی را به‌نفع خود توزیع نکنند. همچنین معیار توزیعی «احتیاج» در کنار «کار»، توزیع درآمد و مالکیت را به‌نفع طبقات نیازمند تغییر می‌داد (نمازی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۶). در کنار مالکیت خصوصی، وضع دو مالکیت عمومی و دولتی و توزیع قبل از تولید موجب منع تداول ثروت و جلوگیری از دست‌اندازی صاحبان امکانات و امتیازات ویژه بر ثروت‌های عمومی می‌شد (همان، ص ۳۳۳). در توزیع بعد از تولید نیز محصول و درآمد تنها در مالکیت کسی بود که مستقیم روی مواد اولیه طبیعی کار

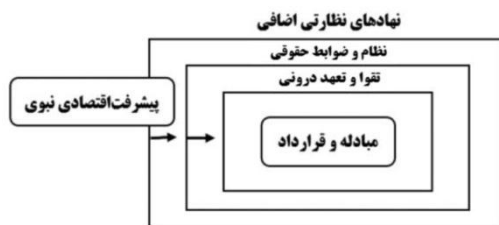
کرده است و صاحبان ابزار تولید، زمین و سرمایه، تنها مستحق دریافت اجرت بودند. بدین ترتیب راه واسطه سرمایه‌دار بر ثروت‌های طبیعی، از طریق استخدام نیروی کار و پرداخت دستمزد بسته شده، سلطه انسان مولد جایگزین می‌شد (صدر، ۱۴۰۰، ص ۴۳۱).

وجود معیارها و قواعد مفروض با تعیین حقوق و وظایف طرفین مبادله می‌تواند به کاهش هزینه مبادله و جلوگیری از بر هم خوردن آن کمک کند (کراسول، ۲۰۰۰، ص ۱). طرفین مبادله ممکن است از عدم تقارن اطلاعات سوءاستفاده کنند. ابهام قرارداد می‌تواند با ایجاد نقصان و شکاف به بروز اختلاف و تحمیل هزینه‌های قضایی بینجامد (شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۶۳). ضوابط شرعی و اخلاقی‌ای که پیامبر ﷺ بر مکاسب و مبادلات حاکم کردند، با پر کردن شکاف‌های موجود، نقاط مبهم و تنش‌زا را از میان می‌برد. خیارهای متعدد، از عدم تقارن اطلاعات و تقلب، تدریس، غبن و غرر جلوگیری می‌کرد. تأکیدات بر وحدت و برادری (حجرات: ۱۰)، حضور در جمعه و جماعات (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۰۱؛ ج ۸، ص ۲۸۹) و ایجاد ارتباط از طریق مهمانی‌ها، صلّه ارحام و... (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۱) موجب افزایش شناخت و اعتماد متقابل و شتاب در شکل‌گیری مبادلات خصوصی می‌شد. بزرگ‌ترین آیه قرآن (بقره: ۲۸۲) مسائل حقوقی مربوط به دین و دادوستد را مطرح می‌کند. ابن‌عباس نقل می‌کند: هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ وارد مدینه شدند، بسیاری از مردم به کم‌فروشی آلوده بودند. با نزول سوره «مطففین» آنها کم‌فروشی را ترک کردند (طبرسی، ۱۳۳۳، ج ۱۰، ص ۲۹۱).

نظم خصوصی دوطرفه باعث می‌شود که طرفین مبادله فعالانه در تدارک نظم مناسب و تمهیدات کارآمد مشارکت کنند و آن را با سرعت به سرانجام برسانند (ویلیامسون، ۲۰۰۵، ص ۱)؛ اما با پیچیدگی جوامع و افزایش تضادها و در نتیجه تبدیل مبادلات خصوصی به غیرخصوصی، وجود نهادهای اضافی ضرورت می‌یابد تا مشکل دوگانه ناطمینانی و تعدی به حقوق را حل کنند تا طرفین مبادله ذیل ترتیبات کارآمدی که حاکمیت آن را تضمین می‌کند، به تبادل و انعقاد قرارداد اقدام کنند (مانتراوینوس و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۷۷).

در جامعه نبوی سه نهاد در جهت کاهش هزینه مبادلاتی و ناطمینانی عمل می‌کرد: نهاد درونی تقوا و تعهد؛ نهاد رژیم حقوقی و ضوابط قراردادهای؛ و نهاد اجرایی و قضایی. پیامبر ﷺ هر سه نهاد را تقویت کردند؛ اما کار بزرگ ایشان حرکت از نهادهای اضافی بیرونی به سمت نهاد درونی برای شکل‌گیری مبادلات با کمترین هزینه و حداکثر سرعت بود. تربیت انسان آگاه و ارزش‌مدار موجب شد که این نهاد درونی نقش مؤثری برای تثبیت انتظارات و ایجاد نظم اجتماعی ایفا کند.

شکل ۲: نهادهای سه‌گانه حاکم بر مبادلات و قراردادها



۱-۳. راهبرد توزیع عدالت محور

رسول خدا^ﷺ به خوبی می دانستند که منابع و منافع باید عادلانه توزیع شود تا همگان از آن بهره مند شوند و نباید در تداول گروهی اندک قرار گیرد (حشر: ۷). در پیشرفت اسلامی، بر پایه عدالت است که رفاه و بی نیازی ایجاد می شود: «أَوْ عُلِّلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْتَبُوا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۲۳) و عدالت و رشد ملازم یکدیگرند، نه اینکه به مانند توسعه سرمایه داری رشد محور، عدالت در حاشیه قرار گیرد و مردم از نشت و سرریز منافع رشد حاصل از سرمایه ثروتمندان بهره مند شوند (هاتینگتون، ۱۳۷۲).

سیاست های تکلیفی و تشویقی پیامبر اسلام^ﷺ با تکیه بر دو بازوی دولت و مردم، اصول عدالت محور تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی را تضمین می کرد. دولت در قالب «ضمان اعاله» موظف بود از طریق ایجاد بستر مناسب برای فعالیت های اقتصادی و پرداخت های انتقالی، سطح معیشت مکفی را برای جامعه، به ویژه محرومان، فراهم کند. در قالب تکافل عام نیز مردم در قبال تأمین نیازهای حیاتی یکدیگر مسئول شدند (صدر، ۱۴۰۰، ص ۶۹۷). مقررات حاکم بر توزیع ثروت های عمومی و مالیات های توازنی مانند خمس، زکات، خراج و طسوق و نیز تشریح احکامی برای ربا، ارث، انفاق، وقف و کنز به خوبی وظیفه عدالت توزیعی را انجام می داد (نمازی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۱). انفاقات واجب و مستحب سه اثر اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی ایجاد می کرد. بازتوزیع و توازن حاصله موجب توانمندی سرمایه انسانی، تأمین مالی بنگاه های تولیدی و ایجاد ارزش افزوده می شد. قصد تقرب و قلع تعلق تعبیه شده در این انفاقات، موجب تعالی معنوی و زدودن روحیه خودخواهی و انگیزه های سوداگرانه می شد (توبه: ۱۰۳). اثر اجتماعی آن نیز انسجام و رابطه قلبی مسلمانان با یکدیگر بود. سرمایه اجتماعی، خود عامل تقویت سرمایه اجتماعی می شد.

سیاست های اقتصادی پیامبر^ﷺ اثرات توزیعی بالایی داشت. بخشی از درآمدها صرف توانمندی سرمایه انسانی در حوزه های فرهنگی، آموزشی و مهارتی می شد. بخش دیگر، پرداخت های انتقالی و مخارج معیشتی و رفاهی بود. مالیات خراج از زمین ها و ثروت های عمومی اخذ می شد و بخشی از نیازهای عمرانی، آموزشی، بهداشتی، امنیتی و سایر احتیاجات را تأمین می کرد. جزیه در مصارف خاص یا مصالح مسلمین، از جمله تأمین اجتماعی، هزینه می شد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۸۶/۴۴۰). کفارات نیز با تأمین خوراک و پوشاک نیازمندان سهم مناسبی در بازتوزیع درآمد داشت. زکات به جهت معافیت های نصابی (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۴۴) از انگیزه تولیدکننده و کارایی تولید کم نمی کرد (صدر، ۱۳۷۶، ص ۹۹). زکات و خمس به عنوان مالیات های نسبی و تثبیت کننده های خودکار، به ابزارهای مالیاتی کارایی برای بازتوزیع درآمد و تثبیت اوضاع اقتصادی تبدیل شده بود (همان، ص ۱۱۳). این دو مالیات، علاوه بر ترویج دین، برای تأمین اجتماعی و فقرزدایی عموم مردم یا گروه های خاص هزینه می شد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۱۷۴).

سرمایه گذاری های امنیتی و زیربنایی، مانند خرید سلاح، ساخت حمام و بازار، گسترش شبکه های ارتباطی میان مناطق مسکونی و نیز خدمات نامه رسانی، بخش دیگری از مصارف بودجه بود (کتانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۸، ۲۴۶).

۲۸۲ و ۳۳۰؛ ج ۲، ص ۱۰۵). گاهی نیز تحت سیاست اقطاع دور و اراضی، از محل منابع دولتی زمین‌هایی برای کشاورزی یا ساخت مسکن در اختیار نیازمندان قرار می‌گرفت (عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۷، ص ۹۲؛ ج ۲، ص ۲۶۳). این اقطاعات غالباً به اسلام، ایمان و احیا و اصلاح مشروط می‌شد تا به منافع عمومی لطمه‌ای وارد نشود (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، فصل ۱۳). نحوه توزیع مالیات‌ها نیز بر محور عدالت بود. در سیره پیامبر ﷺ آمده است که زکات بادیه‌نشینان را برای آنها و زکات اهل شهر را نیز برای شهروندان خرج می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۵۴). رنگ تقرب بخشیدن به این مالیات‌ها و اعتماد به مؤدیان موجب ایجاد رغبت در ادای آن می‌شد.

تشویق پیامبر ﷺ به فرض‌الحسنه، وقف و انفاقات و تحریم کنز سبب گردش نقدین در تولید و تجارت می‌شد. تحریم ربا و معامله کالی به کالی از نشستی پول به سمت بازارهای ربوی و شکل‌گیری بازار بورس طلا و نقره جلوگیری می‌کرد و مانع از انحراف پس‌اندازها از جریان واقعی اقتصاد به سمت سوداگری می‌شد (مخزن موسوی، ۱۳۹۰). این ممنوعیت‌ها دامنه استفاده از پول را محدود و انتفاع از پس‌انداز را در مشارکت و ایجاد ارزش افزوده منحصر کرده بود. با گردش سالم پول در اقتصاد، الگوی توزیع درآمد به‌طور مستمر تعدیل و رشد متوازی ایجاد می‌شد.

ارزش‌های توحیدی و ضوابط شرعی، بازار را نیز متحول کرده بود. خیارات و شروط متعدد، شفافیت قراردادهای تضمین حقوق مالکیت و تحریم فعالیت‌هایی نظیر احتکار، کم‌فروشی و معاملات ربوی، سبب افزایش اطلاعات و اطمینان برای تبادلات و مانع از توزیع ناعادلانه مالکیت و منفعت می‌شد. ناامن‌سازی تجارت قریش (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۹۷) و تأمین سرمایه تجاری و وسیله حمل‌ونقل از طریق مضاربه و غنایم جنگی (عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۵، ص ۲۴)، بستر را برای کسب‌وکار مسلمانان و رونق بازار فراهم کرد. حتی پیامبر ﷺ بر عملکرد بازار، ناظر تعیین می‌کردند (کتانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۰). در حقیقت، چهار عنصر شفافیت، صداقت، عدالت و نظارت، بر کارایی بازار افزوده و با جبران نارسایی بازار در توزیع عادلانه منابع و منافع، این نهاد را به کانون شتاب‌دهنده‌ای برای ایجاد رشد بدل کرده بود.

شکل ۳: الگوی مفهومی راهبردهای پیشرفت نبوی



این الگوی سه‌ضلعی، نظام راهبردی پیشرفت اقتصادی نبوی را نشان می‌دهد که بر یکدیگر اثر می‌گذارند و به‌صورت هماهنگ و هم‌افزا در جهت وصول به هدف عمل می‌کنند.

۲. بررسی و آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه از زاویه راهبردهای پیشرفت نبوی

برنامه‌های شش‌گانه توسعه پس از انقلاب، مطابق اهداف و آرمان‌های مندرج در آن بر مبنای اصول و اهداف اسلامی تدوین شده است؛ از این رو ضروری است نسبت این برنامه‌ها را با راهبردها و راهکارهای پیامبر اسلام ﷺ در حرکت به سمت پیشرفت اقتصادی بسنجیم و نقاط قوت و ضعف آن را از این زاویه ارزیابی کنیم:

۱. بعضی از احکام و سیاست‌های برنامه‌های شش‌گانه توسعه به تعلیم و تربیت و فرهنگ‌سازی اقتصادی اشاره می‌کند:

- ریشه‌کنی بی‌سوادی در افشار مولد، ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه، اصلاح و کارآمدسازی نظام آموزشی کشور برای تأمین منابع انسانی و اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛

- گسترش فرهنگ کار و تولید، وجدان کاری، حس خوداتکایی و اعتمادبه‌نفس، قناعت و صرفه‌جویی، دوری از رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی و اسراف، و پرورش روحیه احترام به قانون و مسئولیت‌پذیری، نظم، تعاون و همبستگی اجتماعی به‌منظور افزایش بهره‌وری از نیروی انسانی؛

- اعتلای معرفت دینی، رشد فضایل براساس اخلاق اسلامی و سیره اهل‌بیت ﷺ و ترغیب به عمل صالح و فرایض دینی؛

- تقویت فرهنگ مشارکت مردم و افزایش کمی و کیفی برنامه‌های رسانه ملی در راستای تأمین نیازهای برنامه توسعه؛

- اهتمام به ارتقای کیفیت در تولید و فرهنگ‌سازی برای استفاده از تولیدات داخلی؛

- ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و فرهنگ‌سازی درباره اصلاح الگوی مصرف (ر.ک: قانون برنامه اول توسعه؛ بند ۳ و ۷ خط‌مشی‌ها، قانون برنامه دوم توسعه؛ بندهای ۵-۱ خط‌مشی‌های اساسی، سیاست‌ها و رهنمودهای کلی برنامه سوم؛ بندهای ۲، ۱۶، ۱۷، ۲۴ و ۲۷ بخش فرهنگی و سیاست‌های کلی برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم).

۲. مفادی از برنامه‌های شش‌گانه به تثبیت و تضمین حقوق مالکیت اشاره دارد:

- تبیین و تثبیت نظام مالکیت اراضی کشاورزی و تأمین اقتصادی، اجتماعی و قضایی برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاری‌های مردمی توسط دولت؛

- توسعه و تکمیل فعالیت‌های ثبت اسناد و اصلاح روش‌های آن؛

- ایجاد و توسعه امنیت قضایی و برنامه‌ریزی جهت اجرای سریع و صحیح احکام قضایی و کاهش مسیر و زمان رسیدگی به دعوی و نیز تکلیف قوه قضائیه به الکترونیک کردن فرایندهای اجرای مفاد اسناد رسمی در راستای تضمین حقوق مالکیت و استحکام قراردادها؛

- افزایش استفاده و بهره‌وری از منابع عمومی در سطح آحاد ملت؛

- تکلیف وزارت مسکن و شهرسازی به تهیه نقشه تفکیکی وضع موجود روستاها به منظور صدور سند مالکیت املاک؛

- اجازه دولت در واگذاری اراضی بزرگ با مقیاس اقتصادی در عرصه‌های منابع طبیعی، که قابل احیا و بهره‌برداری کشاورزی هستند، به مردم با اولویت روستائینان و حمایت‌های لازم زیربنایی و تسهیلاتی؛

- تکلیف دولت به واگذاری اراضی قابل احیا برای کشاورزی و اجرای طرح‌های مرتع‌داری و تولید علوفه به عشایر و دامداران و تشکل‌های اقتصادی آنها؛

- طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی توسط دولت؛

- تکلیف وزارت جهاد کشاورزی به اتمام عملیات ممیزی و تفکیک منابع ملی و دولتی از مستثنیات و اشخاص، به منظور تعیین تکلیف نهایی و تثبیت مالکیت دولت بر عرصه‌های منابع ملی و دولتی؛

- تکلیف قوه قضائیه به «استقرار نظام قضایی سریع، دقیق، بالسویه در دسترس، ارزان، قابل پیش‌بینی قانونی، منصفانه و قاطع»، «پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت خصوصی و معنوی، در قلمرو قضایی» و «رفع هرگونه تبعیض قومی و گروهی در قلمرو حقوقی و قضایی»؛

- تکلیف دولت به اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌ها در جهت ارتقای رتبه ایران در دو شاخص رقابت‌پذیری بین‌المللی و حقوق مالکیت در میان کشورهای منطقه (ر.ک: قانون برنامه اول توسعه؛ خط‌مشی‌های شماره ۴، بند ۲۳ و شماره ۹، بندهای ۸ و ۱۰، قانون برنامه دوم توسعه؛ بند ۶-۶ و ۱۳ خط‌مشی‌ها، قانون برنامه سوم توسعه؛ مواد ۱۰۸ و ۱۴۰، قانون برنامه چهارم توسعه؛ مواد ۱۸، ۴۵ و ۶۸، قانون برنامه پنجم توسعه؛ ماده ۱۴۳ و قانون برنامه ششم توسعه؛ مواد ۲۲ و ۱۱۷).

۳. برنامه‌های توسعه، احکام و سیاست‌های مختلفی در مورد توزیع عدالت‌محور داشته‌اند:

- تأمین حداقل نیازهای اساسی مردم؛

- اصلاح نظام مالیاتی در جهت توزیع منطقی‌تر درآمد و ثروت با اخذ مالیات متناسب و تصاعدی از صاحبان درآمد‌های بالا؛

- برقراری و استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی چندلایه با لحاظ حداقل سه لایه (لایه مساعدت‌های اجتماعی، شامل خدمات حمایتی و توانمندسازی، لایه بیمه‌های اجتماعی پایه، شامل مستمری‌های پایه و بیمه‌های درمانی پایه و لایه بیمه‌های مکمل بازنشستگی و درمان)؛

- جهت دادن کمک‌های انتقالی دولت در قالب یارانه‌ها، بخشودگی‌ها، عوارض، مالیات و سایر تسهیلات در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و محرومیت‌زدایی؛

- عنایت به مناطق محروم و روستاها با اولویت اشتغال، بهداشت و آموزش، تولید و عمران؛

- پرداخت یارانه کالاهای اساسی و یارانه نهاده‌های کشاورزی؛

- اتخاذ تدابیر و برنامه‌های مناسب در جهت توزیع عادلانه درآمد و ثروت، تقلیل شکاف درآمدی و کاهش ضریب جینی؛

- تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی با تعیین ضرایب وضع موجود استان‌ها و مناطق؛

- جلوگیری از درآمدهای کاذب، غیرقانونی و بادآورده یا ناشی از امتیازات نابجا؛

- ارتقای عدالت توزیعی در دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی و کاهش هزینه‌های خانوارهای کم‌درآمد و آسیب‌پذیر در این زمینه؛

- تعیین خط فقر و تبیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب و سامان‌دهی نظام خدمات حمایت‌های اجتماعی برای پوشش کامل جمعیت زیر خط فقر مطلق (ر.ک: قانون برنامه اول توسعه؛ بند ۵-۳ اهداف و بند ۵، ۶ و ۱۴-۷ خط‌مشی‌ها، قانون برنامه دوم توسعه؛ بند ۱ خط‌مشی‌ها، قانون برنامه سوم توسعه؛ فصل پنجم، مواد ۳۶، ۳۸، ۴۶ و ۴۷، قانون برنامه چهارم توسعه؛ مواد ۹۰ و ۹۵، قانون برنامه پنجم توسعه؛ مواد ۲۷ و ۲۳۴ و قانون برنامه ششم توسعه؛ ماده (۸).

۳. آسیب‌شناسی

با توجه به بررسی مواد ناظر به فرهنگ‌سازی و تعلیم و تربیت، تثبیت و تضمین حقوق مالکیت و مسئله عدالت در توزیع و بازتوزیع ثروت و درآمد، می‌توان ارزیابی و آسیب‌شناسی دقیق‌تری از برنامه‌های توسعه پس از انقلاب نسبت به وجود خط‌مشی‌های نبوی برای پیشرفت اقتصادی ارائه داد:

۱. چنان‌که ملاحظه می‌شود، برنامه‌های شش‌گانه از مسئله تربیت سرمایه‌انسانی و فرهنگ‌سازی اقتصادی غافل نبوده‌اند و در تمامی برنامه‌ها به‌عنوان اهداف و خطوط برنامه، بر آنها تأکید شده است؛ اما نقدهایی در این باره متوجه برنامه‌هاست:

- گرچه به انسان‌سازی و نقش آموزش و پرورش در قالب اهداف و سیاست‌ها اشاره شده، اما نگاه راهبردی به آن در فرایند توسعه وجود نداشته است. نگاه راهبردی یعنی سیاست‌ها، اولویت‌ها و احکام برنامه‌ها متناسب و در خط این راهبرد برای رسیدن به هدف تنظیم شود؛

- فقدان رویکرد نظام‌مند به فرهنگ‌سازی اقتصادی موجب شده است که مسئله تربیت انسان و ایجاد فرهنگ اقتصادی در لابه‌لای احکام پولی و مالی کم‌رنگ شود. همچنین همین نقیصه موجب شده است که اقتصاد فرهنگ و استفاده از ظرفیت‌های درآمدزای آن به‌جای تربیت و فرهنگ اقتصادی بیشتر مورد توجه قرار گیرد (ایزنلو و توکلی، ۱۴۰۰)؛

- نقش‌آفرینی مردم در ایجاد پیشرفت، مستلزم تربیت اقتصادی و فرهنگی بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر است که ضروری است برنامه‌های توسعه در این زمینه از یک پیوند عمیق و سیر مستمر برخوردار باشند. بیان اهداف و سیاست‌های کلی لازم است؛ اما کافی نیست. برنامه‌های آموزشی و تربیتی توسعه مبتنی بر مبانی اسلامی و توحیدی، نیازمند برنامه‌ای منسجم و هوشمند در ذیل یک راهبرد بلندمدت است.

۲. ملاحظه می‌شود که برنامه‌های شش‌گانه توسعه اجمالاً احکام و سیاست‌هایی را در پاسداشت حقوق مالکیت و تضمین آن از سوی نهادهای اجرایی و قضایی بیان کرده‌اند؛ اما:

- برنامه‌ها فاقد نگاه راهبردی به آن در فرایند توسعه هستند و غفلت در این زمینه کاملاً مشهود است. این در حالی است که پیشرفت اقتصادی جامعه نبوی و نیز گرایش کشورهای توسعه‌یافته جهان به سمت تضمین حقوق مالکیت، نشان از اهمیت و ضرورت این راهبرد برای توسعه اقتصادی دارد؛
- بسترسازی برای رعایت حقوق قراردادها و کاهش هزینه‌های مبادلاتی و نقش نهادهای تقنینی، اجرایی و قضایی در این زمینه مغفول واقع شده است؛
- پاسداشت حقوق مالکیت و قراردادها، به‌گفتنمان و رویه رسمی در برنامه‌های توسعه و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی تبدیل نشده است؛

- غلبه برنامه تعدیل ساختاری بر روند اجرای اغلب برنامه‌ها موجب خصوصی‌سازی‌های افراطی و تهدیدکننده مالکیت‌های دولتی و عمومی شده است. محدوده مالکیت‌های سه‌گانه در اسلام کاملاً تعریف شده است.

۳. عدالت اجتماعی و برقراری نظام تأمین اجتماعی همواره جزء اهداف و خط‌مشی‌های مصوب همه برنامه‌ها بوده است. در مقام اجرا نیز بعد از انقلاب، به‌رغم فراز و نشیب‌ها، گام‌های خوبی در زمینه فقرزدایی، تأمین اجتماعی و عدالت توزیعی برداشته شده است. البته واقعیات خارجی نشان می‌دهد تا شرایط مطلوب فاصله زیادی وجود دارد که نمایانگر وجود ضعف‌هایی در برنامه‌های توسعه است:

- برنامه‌ها فاقد نگاه راهبردی به مسئله توزیع و بازتوزیع درآمد و ثروت‌اند؛
- راهبرد توزیع عدالت‌محور بر دو رکن دولت و مردم استوار است. در رکن دولت، از یک‌سو خصوصی‌سازی‌های افراطی به حریم مالکیت دولتی تعدی کرده و توزیع درآمد را به‌نفع گروه‌های ثروتمند و صاحب امتیازات ویژه تغییر داده است؛ از سوی دیگر، دولت‌ها با اجرای ضعیف قوانین مربوط به بهره‌برداری مردم از ثروت‌های عمومی، توزیع پیش از تولید را دچار خدشه کرده‌اند. برنامه‌های توسعه باید محدوده مالکیت و تکالیف دولت را کاملاً روشن و تعیین کنند. در مورد رکن مردمی، برنامه‌های توسعه برنامه هدفمندی برای نقش مردم در توسعه و بازتوزیع ثروت و درآمد ندارند؛
- در هیچ‌یک از برنامه‌ها، از مالیات‌های مهم و کارای اسلامی، مانند زکات و خمس اسم و حکمی به‌میان نیامده است. صدقات و انفاقاتی مانند وقف که نقش مردم را به پیشرفت اقتصادی گره می‌زند نیز در اکثر برنامه‌ها مغفول واقع شده است. تقویت روحیه ایثارگرانه و جهادی و توجه به منافع اجتماعی در کنار نفع شخصی و نیز برنامه تربیت اقتصادی مورد توجه برنامه‌ها نبوده است. این بزرگ‌ترین خطای راهبردی برنامه‌های توسعه پس از انقلاب است که در آن، نقش بی‌بدیل مردم و تحول نظام شناختی و انگیزشی آنها در پیشرفت اقتصادی مورد غفلت قرار گرفته است. متأسفانه در این برنامه‌ها سرمایه انسانی، همانند نگرش غربی، تا حدی در سطح یک عامل تولید تنزل یافته است.

علاوه بر آسیب‌های یادشده، چالش جدی‌تر آن است که این آسیب‌ها با تأثیرگذاری سیاست‌های تعدیلی و لیبرالی بر روند اجرای اغلب این برنامه‌ها، تشدید شده است. این سیاست به‌مثابه یک راهبرد، چند دهه است که بر فرایند

توسعه اقتصادی ایران چنبره زده است (نمازی، ۱۳۹۹؛ مؤمنی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۲). تبصره ۳۱ و ۴۱ قانون برنامه دوم و بند ۲-۴ سیاست‌های کلی این برنامه، مواد ۳، ۴، ۹، ۲۷، ۳۵ و ۹۸ برنامه سوم، مواد ۶ و ۳۹ چهارم، مواد ۶۱، ۶۵، ۱۲۷، ۱۶۱ و ۱۶۴ برنامه پنجم و مواد ۱۰، ۲۱ و ۹۲ برنامه ششم به خصوصی‌سازی و واگذاری‌های گسترده، کاهش تصدی‌گری دولت و آزادسازی قیمتی و مقررات‌زدایی تصریح یا اشاره دارند. این در حالی است که سیاست تعدیل با مبانی انسان‌شناختی غربی و اصول آزادی فردی و مالکیت خصوصی سازگار است. سرمایه انسانی صرفاً عاملی برای تولید و افزایش رشد و رفاه است. رفاه مادی غایت آمال این سیاست است. هدف، رشد سریع و پرشتاب اقتصادی در پی درمان‌های شوکی است؛ لذا عدالت و حقوق انسانی پای رشد ذبح می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۲). گفتمان سیاست آزادسازی و تعدیل با کاهش نقش و دخالت دولت (کمالی‌دهکردی، ۱۳۷۲، ص ۳)، ابزارهایی را که در خدمت عدالت توزیعی است، دگرگون می‌کند. نقش مردم در بازتوزیع درآمد با انگیزه‌های معنوی، جایی در این راهبرد ندارد.

همچنین سیاست تعدیل، از یک‌سو با خصوصی‌سازی بی‌رویه و واگذاری‌های دارایی‌های دولت موجب تغییر ساختار مالکیتی به نفع بخش خصوصی شده است و از این طریق افراد صاحب امتیازات ویژه را بر ثروت‌های عمومی مسلط می‌کند؛ و از سوی دیگر با آزادسازی قیمت‌ها و کاهش ارزش پول، از ارزش دارایی افراد می‌کاهد و آن را به نفع طبقات ثروتمند تغییر می‌دهد. در حقیقت، سیاست تعدیل با نابرابر کردن توزیع درآمد و مالکیت به نفع طبقات پردرآمد، موجب تمرکز و تداول ثروت می‌شود که در تضاد با فرهنگ قرآنی و نبوی است. فساد، رانت، بهره‌کشی، حق‌کشی و تبعیضی که بر اقتصاد حاکم می‌شود، فضای ناامنی و نااطمینانی را بر اقتصاد حاکم می‌کند و انگیزه تبادل و تولید را کاهش می‌دهد.

با این تفصیل آشکار می‌شود که راهبردها و راهکارهای نبوی برای پیشرفت اقتصادی، جایگاه مناسب و مؤثری در برنامه‌های توسعه کشور ندارد. برنامه‌ها باید خود را متکفل برنامه‌ریزی برای تربیت انسان و سرمایه انسانی مناسب پیشرفت اقتصادی بدانند. مردم باید مفهوم پیشرفت را به خوبی دریابند و سهم خود را در تحقق آن ایفا کنند. فرهنگ و رفتار جامعه باید برای ایجاد پیشرفت اقتصادی متحول و متناسب شود. حقوق، ارتباط مستقیمی با توسعه و پیشرفت دارد. در زمینه تثبیت و تضمین حقوق مالکیت، نهادهای سیاست‌گذاری، نظارتی و قضایی ما با شرایط مطلوب فاصله زیادی دارند. همچنین بخشی از مشکلات اقتصادی ما در حوزه مسکن، کشاورزی و اشتغال، با واگذاری زمین به مردم واجد شرایط و احیای زمین‌های موات و نیز رفع انحصار و احتکار، حل می‌شود. از این‌رو، راه درمان انحرافات برنامه‌های توسعه، نسخه پیشرفت اقتصادی نبوی است.

۴. رهیافت‌هایی برای برنامه‌های آتی توسعه

با توجه به رویکرد نبوی و راهبردها و راهکارهایی که در جهت پیشرفت اقتصادی در پیش گرفتند و با عنایت به بررسی نقادانه برنامه‌های توسعه، می‌توان رهیافت‌ها و دلالت‌هایی از آن برای برنامه‌های آتی توسعه داشت:

۱. کشورهایی مانند آمریکا، آلمان، ژاپن و کره جنوبی ده‌ها سال است که به تعلیم و تربیت اقتصادی و

رفتارسازی مطلوب در حوزه اقتصاد بر مبنای شالوده فکری و فلسفی خود روی آورده‌اند (ر.ک: طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۵۰). آنها به خوبی دریافته‌اند که توسعه مستلزم یک نظام آموزشی هدفمند، توانمند و کارآمد است. قرن‌ها پیش از آنها، پیامبر اسلام ﷺ برای ساخت فرهنگ و رفتار مناسب پیشرفت، دست به ایجاد زیرساخت آموزشی و تربیتی زدند. گرچه در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش به درستی بر این رسالت مهم تأکید شده و اهدافی برای ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای تعیین گردیده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰)، اما اهداف کلی برای پیاده شدن و آموزش عملی و تفصیلی راه زیادی در پیش دارد. این مهم نیازمند اجرای یک الگوی عملیاتی متشکل از نظام مفاهیم اساسی و کاربردی اقتصادی و منظومه‌واژگانی اقتصاد اسلامی است؛ مفاهیمی چون انتخاب و تصمیم‌گیری، تخصص و تقسیم کار، پول، مبادله، قراردادهای مالکیت، کار، سرمایه، نظام تخصیص و توزیع، تولید و مصرف، بازار، رقابت، تعاون، دولت، رشد و پیشرفت، و ریسک، که باید از مبانی فکری و فلسفی اقتصاد اسلامی و متناسب با فرایند پیشرفت اسلامی استخراج شوند و با زبان آموزشی از سنین آغازین تحصیلی به جامعه انتقال یابند (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۰).

در این راستا، برنامه‌ریزان توسعه باید آموزش و پرورش و رسانه ملی را به‌عنوان نهادهای فرهنگ‌ساز مکلف کنند که حرکت در جهت پیشرفت اقتصادی را به‌گفتمان رسمی جامعه بدل کنند و برنامه تربیت اقتصادی اسلامی را برای سنین مختلف آموزشی تدوین کرده، برنامه‌ها و کتاب‌های درسی را براساس آن بازنگری کنند. برنامه جامع تعلیم و تربیت اقتصادی در بلندمدت افزایش بهره‌وری منابع انسانی را به‌دنبال خواهد داشت. این برنامه در بلندمدت می‌تواند انتظارات و تقاضاهای کاذب و سوداگرانه را در چارچوب منافع اجتماعی معقول کند و به ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز و بازارهای واقعی اقتصاد بینجامد.

۲. راهکار پیامبر ﷺ برای تثبیت و تضمین حقوق مالکیت، حاکم کردن نظام حقوقی بر مبادلات و قراردادهای فرهنگ‌سازی بود. در این راستا:

– در بند الف ماده ۴۵ برنامه چهارم توسعه، دولت به طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت مادی، معنوی، ملی و بین‌المللی موظف شد. این طرح بر زمین‌مانده که با همکاری نهادهای فقهی و حقوقی می‌تواند به طرحی جامع و اسلامی تبدیل شود، این قابلیت را دارد که انگیزه و امنیت اقتصادی زیادی برای تولید و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی فراهم کند و بر حجم و سرعت مبادلات و سرمایه‌گذاری‌ها بیفزاید؛

– قوانینی که آثار اجرایی آن ممکن است به تضییع حقوق مالکیت افراد جامعه بینجامد (مانند قوانین مربوط به سیاست‌های ارزی و پولی، خلق پول بانکی و خصوصی‌سازی)، باید پیوست تضمین حقوق مالکیت داشته باشد. این پیوست باید از پشتوانه ضمانت اجرایی و حقوقی برخوردار باشد؛

– نهادهای فرهنگ‌سازی مانند آموزش و پرورش و رسانه ملی باید مکلف شوند پاسداشت حقوق مالکیت و قراردادهای را به‌گفتمان رسمی جامعه بدل کرده و معرفت‌افزایی کنند؛

– به‌منظور افزایش اعتماد، اطمینان و کاهش هزینه‌های مبادلاتی، نهادهای فرهنگی و آموزشی باید برای

تقویت فرهنگ اسلامی و ملی در زمینهٔ اجتماعات دینی و ارتباطات مردم با یکدیگر و ترویج فرهنگ برادری و نیز افزایش سطح تعهد درونی مردم برنامهٔ جامع تدوین کنند؛

- روزآمدسازی سند تحول قضایی در جهت تنفیذ عادلانه و بدون جانب‌داری قراردادها و افزایش سرعت فرایند دادرسی و جبران خسارت مالی می‌تواند به تحقق حمایت حقوقی و قضایی از سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار و عدالت توزیعی منجر شود.

۳. راهکارهای نبوی ذیل راهبرد توزیع عدالت‌محور، تقویت دو بازوی دولت و مردم و تزریق عدالت از ابتدای زنجیرهٔ تولید و توزیع بود. در این راستا:

- قوانین مغفولی مانند قانون «نحوهٔ واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران» (مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۵) و «قانون زمین شهری» (مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲) می‌باید به‌طور کامل اجرا شود. این قوانین می‌توانند نقش زیادی در عادلانه کردن الگوی توزیعی و محرومیت‌زدایی و نیز تحول در نهاد مالکیت ایفا کنند. آزادسازی احیا و بهره‌برداری از زمین و واگذاری رایگان آن برای کشاورزی می‌تواند محرومان را وارد عرصهٔ تولید و توزیع کند و سهم زیادی در محرومیت‌زدایی، کاهش هزینهٔ تولید و ایجاد رشد اقتصادی ایفا کند. در حوزهٔ مسکن نیز به تاسی از پیامبر ﷺ می‌توان با آزادسازی و واگذاری اراضی موات برای ساخت مسکن، هزینهٔ ساخت مسکن را کاهش داد و آن را از سبب تجارت و سوداگری خارج کرد. همچنین با فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ ایثار و برادری، از طریق ظرفیت مردمی می‌توان بخشی از تقاضای مسکن را پوشش داد. ترویج فرهنگ وقف و انتشار اوراق وقف مسکن، ترویج عقود سُکنی، رُقبی و عُمری، تشویق خیرین مسکن‌ساز و نیز معافیت‌های مالیاتی برای اسکان رایگان یا کم‌بها می‌تواند راهکارهای خوبی در این زمینه باشد؛

- مردمی کردن نظام توزیع و ورود مردم به آن، از بازار رایگان یا ارزان‌قیمت آغاز می‌شود. آن‌گونه‌که از سیرهٔ نبوی و علوی نقل شده است، ایشان برای بازار خراج و کرایه نمی‌گرفتند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۷۸؛ عاملی، ۱۴۲۴ق، ص ۸). بازارهای موقت یا وقفی و بدون اجاره و عوارض می‌تواند موجب عمومی کردن تجارت و بسترسازی برای کسب‌وکار شود که این مهم خود به کاهش تورم، رقابتی شدن بازار، توزیع عادلانه‌تر و محرومیت‌زدایی کمک می‌کند (کشوری، بی‌تا، ص ۳۳-۳۶)؛

محدودهٔ مالکیت‌های سه‌گانه در اسلام مشخص و تعریف شده است. دولت نباید به بهانهٔ مولدسازی در دام خصوصی‌سازی‌های بی‌ضابطه و خلاف اصول اسلامی گرفتار شود. راهکار خلق ارزش، افزایش بهره‌وری و ایجاد ارزش افزودهٔ اقتصادی برای املاک و دارایی‌های ثابت و غیرمنقول دولت، لزوماً خصوصی‌سازی گسترده نیست. در خصوصی‌سازی، انتقال دارایی مطرح است؛ اما مولدسازی با حفظ اصل دارایی و تفکیک مالکیت و مدیریت، ممکن است. واگذاری و تملیک دارایی‌های دولت، دولت را ضعیف و در واکنش به تحریم‌ها ناتوان می‌سازد؛ افزون بر اینکه ابزارهای حاکمیتی و اهرم بازتوزیعی دولت (با پشتوانهٔ استفاده از مالکیت و درآمدهای دولتی) نیز تضعیف می‌شود؛

- سیاست یارانه‌زدایی یا یارانهٔ تورمی خودتخریب‌گر باید جای خود را به نگاه مثبت به پرداخت‌های انتقالی و یارانه‌های حمایتی از معیشت و تولید بدهد؛

سیاست گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و مصوبات نهادهای اجرایی و تقنینی باید پیوست عدالت داشته و از لحظه شکل‌گیری ایده و تصمیم تا مرحله تقنین و اجراء عدالت باید در تمام فرایند جریان داشته باشد. این پیوست باید از پشتوانه ضمانت اجرایی و حقوقی برخوردار باشد؛

برنامه‌ریزان توسعه باید نگاه راهبردی به تقویت بخش اجتماعی اقتصاد و مشارکت‌های جهادی مردمی و ارتقای سرمایه اجتماعی داشته باشند. احیای روحیه انفاق و بازتوزیع درآمد از طریق احیا و تقویت فرهنگ وقف و پرداخت مالیات‌های کارای اسلامی، از نقاط مغفول برنامه‌های توسعه کشور است. معافیت مؤدیان این مالیات‌های شرعی از مالیات‌های حکومتی می‌تواند انگیزه زیادی برای رغبت به این سمت ایجاد کند؛

حاکمیت می‌تواند از فعالیت‌های غیرمولد از طریق برنامه بلندمدت تربیت اقتصادی و نیز هزینه‌دار کردن آن با جرایم حقوقی و اخذ مالیات، جذابیت‌زدایی کند و از این طریق الگوی توزیع درآمد را اصلاح کند؛
 رویکرد بنگاهداری بانک‌ها و رواج قراردادهای صوری برای عقود مضاربه، مزارعه و... باید اصلاح شود و بانک‌ها به سمت واسطه‌گری و گسیل سپرده‌های خرد و کلان به سمت عقود مشارکتی حرکت کنند.

جدول ۱: رهیافت‌های راهبردهای پیشرفت اقتصادی نویی برای برنامه‌های توسعه

راهبردهای نویی	راهکارهای نویی	رهیافت‌ها و توصیه‌ها
فرهنگ‌سازی و تعلیم و تربیت	ترویج فرهنگ توحیدی، ایجاد زیرساخت آموزشی و تربیتی، ترویج فرهنگ ایشار و برادری، همسوسازی نفع شخصی و منافع اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و بخش اجتماعی اقتصاد، تقویت روحیه کار، تلاش و خودانگیزی	تدوین برنامه جامع تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی و اجرای آن توسط نهادهای آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگ‌ساز
تضمین حقوق مالکیت	ایجاد زیرساخت حقوقی و حاکمیت ضوابط شرعی بر مبادلات و قراردادها، مبارزه با فعالیت‌های اقتصادی مضر و غیرمولد، آگاهی‌بخشی فقهی و حقوقی، افزایش اعتماد و اطمینان از طریق ایجاد نظام مستحکم اجتماعی و ارتباطی و تقویت تعهد درونی	طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت مادی، معنوی، ملی و بین‌المللی - پیوست تضمین حقوق مالکیت - تبدیل پاسداشت حقوق مالکیت به گفتمان رسمی جامعه و آگاهی‌بخشی فقهی و حقوقی در این زمینه - روزآمدسازی سند تحول قضایی با هدف تضمین حقوق مالکیت
توزیع عدالت‌محور	تقویت دو بازوی قوی دولت و مردم با برقراری نظام تأمین اجتماعی و تکافل همگانی، واگذاری زمین برای کشاورزی و مسکن، پرداخت‌های انتقالی و قاعده‌گذاری برای آن به شرط احیا و اصلاح، ترویج عقود مشارکتی و سهم‌بری مانند مضاربه، مزارعه و مساقات، ترویج انفاقات و مالیات‌های شرعی، تعبیه فیلترهای اخلاقی و شرعی در سازوکار بازار	- احیای قوانین مغفول در زمینه واگذاری زمین برای کشاورزی و مسکن - اصلاح عملکرد بانک‌ها در جهت گسیل سپرده‌ها به سمت عقود مشارکتی - واگذاری زمین‌های موات و دولتی برای کشاورزی و مسکن - مردمی‌سازی نظام توزیع از طریق ایجاد بازارهای موقت، وقفی، رایگان یا ارزان قیمت - مولدسازی دارایی‌های دولت با حفظ اصل دارایی و تفکیک مالکیت و مدیریت - پیوست عدالت برای سیاست‌ها و قوانین - مبارزه با سیاست تبدیلی یارانه‌زدایی - بازنگری در نقش مردم و سرمایه اجتماعی در برنامه‌های توسعه با تکیه بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و جهادی و احیای انفاقات و مالیات‌های اسلامی

نتیجه گیری

از رویکرد توسعه‌ای پیامبر اعظم ﷺ سه راهبرد «فرهنگ‌سازی و تعلیم و تربیت؛ تضمین حقوق مالکیت؛ و توزیع عدالت‌محور» در قالب یک الگوی مفهومی سه‌ضلعی استخراج می‌شود. این سه ضلع با رفتاری هماهنگ و هم‌افزا، به دلیل وجود عناصر انسان، عدالت، مالکیت و مبادله، در تمامی بخش‌های اقتصاد جاری می‌شود و توسعه متوازی ایجاد می‌کند. راهبرد انسان‌سازی، سرمایه‌انسانی و فرهنگ مناسب را برای پیشرفت فراهم می‌کند. در کنار آن باید نهاد حقوقی و نظارتی مقتدر و کارایی باشد تا بتواند روابط مبادلاتی و مالکیتی را تنظیم و تضمین کند تا در سایه آن، افراد برای استفاده از مالکیت خود و برای تولید و تبادل، انگیزه و اطمینان کافی داشته باشند. تضمین این حقوق بر حجم و سرعت شکل‌گیری مبادلات و قراردادهای می‌افزاید و موجب شتاب در ایجاد رشد و ارزش افزوده می‌شود؛ اما لزوماً موجب تأمین و توازن اجتماعی نمی‌شود؛ بلکه جامعه نیازمند مداخلات توزیعی و سازوکاری برای بازتوزیع عواید و منافع است؛ چراکه سازوکار بازار، الگوی توزیعی را به شدت ناعادلانه می‌کند. از این رو سازوکاری لازم است تا بتواند این رشد و عواید حاصله را عادلانه توزیع کند تا همگان از منافع آن بهره‌مند شوند. راهبرد توزیع عدالت‌محور، با اشراب عدالت از مرحله قبل از توزیع و با نقشی که به دولت و مردم می‌دهد، این وظیفه تکمیلی را ایفا می‌کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که در برنامه‌های شش‌گانه توسعه بعد از انقلاب، نقش دولت و مردم، مسئله عدالت و الگوی توزیع درآمد و نیز جایگاه نهاد مالکیت، با چالش جدی روبه‌روست و سیاست‌های تعدیلی و لیبرالی این چالش را عمیق‌تر کرده‌اند. واگذاری‌ها و خصوصی‌سازی‌های افراطی، کمینه‌سازی نقش دولت، خلق پول، کاهش نرخ برابری، آزادسازی قیمتی و تجاری، و مبنای فردگرایی، نقش مردم و دولت را در توسعه اقتصادی کم‌رنگ و ساختار مالکیت و الگوی توزیع درآمد را به نفع ثروتمندان نابرابر کرده است. راهبردهای نبوی می‌تواند نقش فعال دولت را در تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی به آن برگرداند و این بازوی توزیع عدالت‌محور را توانمند کند. لازمه این امر آن است که دولت نقش تنظیم‌گری را ایفا کند و از گستره مالکیت خود بهره‌مند باشد. این راهبردها می‌توانند به خوبی نقش سرمایه مادی و اجتماعی را فعال و اقتصادی مردمی ایجاد کنند. سازوکار توزیعی نبوی سرمایه‌بنگاه‌ها را تأمین، بار دولت را سبک‌تر و نارسایی بازار را در تخصیص و توزیع جبران می‌کند. تضمین حقوق مالکیت و قراردادهای نیز شرط اصلی رشد، یعنی افزایش حجم و سرعت شکل‌گیری مبادلات را تأمین می‌کند. برنامه‌های آتی باید در این ریل قرار گیرند.

در زمینه تحقق این راهبردها، راهکارهایی مانند ایجاد برنامه جامع تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی، نظام جامع حقوق مالکیت مادی، معنوی، ملی و بین‌المللی، واگذاری زمین‌های موات و دولتی برای کشاورزی و مسکن، مردمی‌سازی نظام توزیع، عدالت توزیعی از مرحله قبل از تولید با تفکیک مالکیت‌های سه‌گانه، و بازسازی نقش مردم در پیشرفت اقتصادی، می‌تواند برنامه‌های توسعه را در ریل راهبردهای نبوی قرار دهد.

منابع

- آیّتی، محمدابراهیم، ۱۳۵۹، *تاریخ پیامبر اسلام ﷺ*، به کوشش ابوالقاسم گرچی، تهران، دانشگاه تهران.
- آئینه‌وند، صادق، بی‌تا، *تاریخ سیاسی اسلام*، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن سعد، محمدبن، ۱۹۶۰م، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر.
- ابن هشام، عبدالملک، ۱۴۱۲ق، *السیرة النبویه*، ج دوم، بیروت، دارالفکر.
- احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، *مکاتیب الرسول ﷺ*، قم، دارالحديث.
- افغانی، سعیدبن محمد، ۱۹۶۰م، *أسواق العرب فی الجاهلیه و الإسلام*، دمشق، دارالفکر.
- ایزنلو، امید و محمدجواد توکلی، ۱۴۰۰، «تحلیل سیستمی فرهنگ اقتصادی مطلوب در اقتصادمقاومتی (دلالت‌هایی بر برنامه هفتم توسعه)»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۶۵-۱۴۷-۱۷.
- برادران شرکا، حمیدرضا و بهروز نوز، ۱۳۸۲، «استراتژی تجاری توسعه صنعتی در ایران (دوران قاجاریه تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷)»، *برنامه و بودجه*، ش ۸۱، ص ۳-۳۸.
- بلادری، احمدبن یحیی، ۱۴۱۷ق، *جُمَل من اتساب الاشراف*، بیروت، چاپ سهیل زکار و ریاض زرکلی.
- بی‌آزارشیرازی، عبدالکریم، ۱۳۶۸، «نظام اقتصاد اسلامی در عصر پیامبر ﷺ»، در: *نظام اقتصاد اسلامی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حاج کریم، نعمت‌الله، ۱۳۷۵، *عوامل رشد و توسعه اقتصادی مدینه طی سال‌های ۱۰-۱ هجری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حتی، فیلیپ، ۱۳۸۰، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ سوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۱، *انسان ۲۵۰ ساله*، چ دوازدهم، تهران، صهبا.
- رحیم‌پور ازغدی، حسن، ۱۳۸۷، *عقلانیت: بحثی در مبانی جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، طرح فردا.
- رحیمی، عبدالرفیع رحیمی و علی غلامی فیروزجایی، ۱۳۹۴، «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی - دینی رسول خدا در مدینه»، *پژوهش‌های تاریخی*، ش ۲، ص ۷۱-۸۸.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین، ۱۳۸۴، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران، سمت.
- دادفر، سجاد و روح‌اله بهرامی، ۱۴۰۰، «راهبردهای اقتصادی حکومت نوی در مدینه النبی»، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، دوره چهارم، ش ۱، ص ۲۶۴-۳۰۵.
- شریف، احمدابراهیم، بی‌تا، *مکه و المدینه فی الجاهلیه و عهد الرسول ﷺ*، بی‌جا، دارالفکر العربی.
- شریف‌زاده، محمدجواد، ۱۳۹۱، *حقوق و اقتصاد در اسلام: مقدمه‌ای بر تحلیل اقتصادی نهادهای حقوق اسلامی با تأکید بر تاریخ صدر اسلام*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، تهران.
- شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۶۲، *تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- صدر، سیدکاظم، ۱۳۷۶، «تجربه مسلمانان صدر اسلام در دستیابی به توسعه اقتصادی»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۲، ص ۲۶-۳۷.
- _____، ۱۳۸۷، *اقتصاد صدر اسلام*، چ دوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۰ق، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- صیفوری، بتول و رامین تقوی، ۱۳۹۷، «آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه ایران قبل و بعد از انقلاب و ارائه راهبردهای محوری»، *آفاق علوم انسانی*، ش ۲۲، ص ۱-۲۳.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، بی‌تا، *المیزان*، قم، اسماعیلیان.

- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۳، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طغیانی، مهدی و عادل پیغامی، ۱۳۹۵، *تعلیم و تربیت اقتصادی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی، ۱۴۲۴ق، *السوق فی ظل الدولة الاسلامیه*، چ سوم، بی جا، المرکز الاسلامی للدراسات.
- ، ۱۴۲۶ق، *الصحيح من سیره النبی الأعظم* علیه السلام، قم، دارالحدیث.
- عرب مازار، عباس و خسرو نورمحمدی، ۱۳۹۵، «تحلیل انتقادی هدفهای اقتصادی برنامه‌های توسعه در ایران (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۵، ش ۱، ص ۱۹-۴۲.
- علی، جواد، ۱۹۶۸م، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- کنانی، عبدالحی، بی تا، *نظام الحکومة النبویه المسمی الترتیب الاداریه*، بیروت، دارالأرقم بن ابی الأرقم.
- کشوری، علی، بی تا، «برنامه ملی محرومیت‌زدایی»: در: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان اپتا، eitaa.com/olgou4.
- کمالی دهکردی، پروانه، ۱۳۷۲، *سیاست‌های تعدیل اقتصادی (در کشورهای کره جنوبی، غنا، نیجریه و ایران)*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- مخزن موسوی، سیدهادی، ۱۳۹۰، «سیاست‌های پولی و مالی صدر اسلام»، *زمانه*، ش ۹۹، ص ۵۰-۵۱.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، *قوانین برنامه‌های اول تا ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، در: rc.majlis.ir/fa/law.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۷، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱ق، *القواعد الفقهیه*، چ سوم، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین.
- مؤمنی، فرشاد، ۱۳۸۶، *اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری*، تهران، نقش و نگار.
- نمازی، حسین، ۱۳۸۷، *نظام‌های اقتصادی*، چ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ، ۱۳۹۹، «تحلیلی از شرایط اقتصادی کشور و راهکارهای پیشنهادی»، *فرهنگستان علوم*، سال بیستم، ش ۷۴، ص ۵-۹.
- واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، دارالأعلمی.
- هاشمی‌شاه‌رودی، سید محمود، ۱۳۸۹، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت* علیهم السلام، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، قم.
- هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۲، «اهداف توسعه»، ترجمه سعید گازرانی، *فرهنگ توسعه*، ش ۹، ص ۱۴-۱۷ و ش ۱۰، ص ۱-۹.
- Chapra, M., 2000, *The Future of Economics; An Islamic Perspective*, Leicester, UK, The Islamic Foundation.
- Craswell, R., 2000, "Contract Law: General Theories", in *Encyclopedia of Law and Economics*, Volume III, The Regulation of Contracts, Bockaert, B. and De Geest, G. (eds), Cheltenham: Edward Elgar.
- Mantzavinos Chrysostomos & Douglass C North, Syed Shariq, 2004, "Learning, institutions, and economic performance", *Perspectives on politics*, Cambridge University Press, V.1, p. 75-84.
- Williamson, Oliver E., 2005, "The Economics of Governance", *The American Economic Review*, V. 95, N. 2, Papers and Proceedings of the One Hundred Seventeenth Annual Meeting of the American Economic Association, Philadelphia, PA, January 7-9, p. 1-18.